

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستانش را محکم تر بگیر



مؤلفه

سعیده اسماعیلی

www.ketab.ir

اسماعیلی، سعیده، ۱۳۶۶	سرشناسه
دستاش را محکم تر بگیر / مولف سعیده اسماعیلی	عنوان و نام پدیدآور
تهران: سیمای دانش، ۱۴۰۰	مشخصات نشر
۹۵ ص. ۱۵ × ۱۵ س.م.	مشخصات ظاهری
978-600-120-535-4	شابک
فیبیا	وضعیت فهرست نویسی
نثر فارسی -- قرن ۱۴	موضوع
Persian prose literature -- 20th century	موضوع
PIR۸۳۳۴	رده بندی کنگره
۸۴۸/۸۶۲	رده بندی دیویی
۸۴۷۶۷۱۶	شماره کتابشناسی ملی
فیبیا	اطلاعات رکورد کتابشناسی

دستاش را محکم تر بگیر

سعیده اسماعیلی	مؤلف
انتشارات سیمای دانش	ناشر
اول ۱۴۰۰	نوبت چاپ
۵۵ نسخه	تیراژ
موسسه مهر آرا	حروفچینی
باختر	لیتوگرافی
فرشیوه	چاپخانه
روشنک	مصحافی
۹۷۸-۶۰۰-۱۲۰-۵۳۵-۴	شابک
۶۰۰۰۰ ریال	قیمت

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات سیمای دانش محفوظ است.

انتشارات سیمای دانش: خیابان انقلاب- ابتدای خیابان ۱۲ فروردین
پلاک ۳۱۸- تلفن: ۶۶۴۶۴۷۷۹
فروشگاه سیمای دانش: ۶۶۴۶۰۵۴۵

Email : simaye.danesh@yahoo.com
Telegram : [telegram.me/simayedaneshpub](https://t.me/simayedaneshpub)



فهرست

۴۳.....	سکوت می‌کنم	۵.....	مقدمه
۴۵.....	از تو گفتن	۷.....	خانه پدری
۴۷.....	همه عصرهایی که	۱۰.....	مادر
۴۸.....	به جز تو	۱۳.....	صبحی بهاری
۴۹.....	درگیر نگاهت	۱۶.....	با آمدنت
۵۰.....	وقتی با توأم	۱۹.....	شاید تو خواهی آمد
۵۱.....	چه خوش است	۲۱.....	دستانش را محکم تر بگیر
۵۲.....	برو	۲۲.....	برف
۵۳.....	قمری	۲۳.....	فقط نگاهم کن
۵۴.....	دعای مادر	۲۵.....	باید بگذری
۵۶.....	رخ زیبای تو	۲۶.....	پاییز با تو
۵۷.....	مدارا کن کمی	۲۹.....	عشق چیست؟
۵۸.....	قد رعنا	۳۱.....	در آرزوی عشق
۶۰.....	اشک غم	۳۴.....	عشق در تابستان
۶۱.....	خدا می‌داند	۳۶.....	عاشق که شدی
۶۲.....	آلوده	۳۸.....	تو را دوست دارم
۶۳.....	شاعر اشعار	۴۲.....	جفت عاشقی

۸۳.....	مسوزان	۶۵.....	با تو نفس کشیده‌ام
۸۴.....	تو هوا بودی	۶۷.....	شکستی
۸۵.....	وقتی که رفتی	۶۹.....	دور است
۸۶.....	چه عاشقانه می‌گشت	۷۰.....	به دیدارم نیا
۸۷.....	نگاه پر حرارت	۷۱.....	فصل وصال
۸۸.....	امان	۷۳.....	زن بی خبری
۸۹.....	یار	۷۴.....	نگاهت با نگاهم
۹۰.....	هیئات	۷۶.....	جمعه‌ها
۹۱.....	درخت توت	۷۷.....	روی ماه تو
۹۳.....	ای مرد	۷۹.....	ساحل جانم
۹۶.....	زیباترین	۸۰.....	تو برگشتی عشق
۹۷.....	به یاد تو بودم	۸۲.....	صحرای تنم

مقدمه

به نام حضرت عشق ...
در آغاز کتاب کوچک من نوشته‌هایم سپاسگزار تمام آنهایی هستم که عشق را هرگونه توانستند به من آموختند و یاری‌ام دادند تا هر آنچه از قلبم فرو می‌ریزد در صفحه‌ای بگنجد تا شاید حرف دل عاشقی، خسته‌ای یا رهگذری باشد.

در این کتاب کوچک حرف‌های ساده‌ای هست که هر کدام در من شعله‌ای ست، خاطره‌ای، یادگاری ...

در توان قلمم از عشق نوشتم که میان تلخی روزگار و غم‌هایش از خاطر نرود از دل نرود، باشد که عشق زنده بماند ...